

روایات خلقت زن یا حوا در بوته نقد و نظر

صالحه شریفی^۱

چکیده

اسلام به مرد و زن نگاهی یکسان و همراه با کرامت و عزت دارد، به طوری که زن و مرد در کمالات ذاتی و جنس آفرینش، جایگاهی مشترک داشته و در کسب کمالات اکتسابی، توانمندی‌های یکسانی دارند، اما وجود برخی از روایات که بیان‌گر آفرینش زن یا حوا از عضوی از بدن آدم است، نگاه تساوی‌گرایانه اسلام به زن را خدشه دار کرده و باعث فرودستی زن در جهان بینی اسلامی شده است. بنابراین، ایده اصلی نوشتار حاضر، محک زدن روایاتی است که آفرینش زن را تبعی و فرع بر آفرینش مرد می‌داند. با توجه به معیارهای نقد حدیث، مانند مخالفت با سنت، مخالفت با عقل و دستاوردهای علمی قطعی، مطابقت با تورات و موافقت با نظر عامه، موضوعیت و جعلی بودن این روایات مشخص می‌شود. با وجود ارزیابی روایات توسط این معیارها، میان مجموعه روایاتی که به نوعی اشعار به خلقت حوا از دنده آدم دارند، تناقض درونی وجود داشته و اضطراب متن دارند.

واژگان کلیدی: خلقت زن، روایات، حدیث ضلع، معیار نقد حدیث.

۱. مقدمه

مسئله جایگاه و منزلت زنان، از دیرباز میان جوامع و فرهنگ‌های مختلف مطرح بوده است. بسیاری از اقوام و ملل گذشته، زن را فروتر از مرد و به عبارتی طفیلی مرد می‌دانند. در جهان بینی اسلام، زن مانند مرد، ارزش و کرامت انسانی دارد، اما احادیثی در منابع روایی فریقین است که جهت‌گیری متفاوتی نسبت به دیدگاه اسلام درباره زن دارند. در این متون، گزارش‌های متفاوت و متناقضی در مورد آفرینش حوا آمده است. روایاتی که از آفرینش تبعی زن از مرد حکایت داشته و زن را موجودی فروتر از مرد معرفی می‌کنند. اگرچه در قرآن، آیات متعددی دلالت بر جایگاه والای زن دارد، اما در مورد کیفیت خلقت اولیه بشر، بیشتر آیات، به آفرینش آدم اشاره کرده و کمتر به چگونگی خلقت حوا اشاره شده است. این مطلب و وجود روایات پیش‌گفته، زمینه به وجود آمدن ابهاماتی در زمینه خلقت جنس زن را فراهم کرده است. بنابراین، در این پژوهش، صحت و سقم مطالب روایات بیان شده و سعی می‌شود تا با معیارهای نقد حدیث، این روایات ارزیابی

۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

شده و پاسخی برای این سؤالات بیابد که آیا حوا و به طور کلی زن، از دندهٔ چپ مرد آفریده شده و در نتیجه حیات زن، حیاتی تبعی ست؟ و یا زن و مرد منشأ حیاتی واحدی دارند و هر دو از یک جایگاه واحد در نظام تکوین برخوردارند؟

۲. نگاهی به روایات خلقت زن

با نگاهی به روایات خلقت زن، اضطراب در متن احادیث دیده می‌شود. اگرچه همه آنها حوا را به وجود آمده از آدم می‌دانند، اما این مسئله با تعبیر مختلفی بیان شده است: «من الضلع الایسر» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱/۱۱۷)؛ «من ضلع الاعوج» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۲/۹۷)؛ «من ضلع آدم» (۱۴۰۷، ۹/۳۵۵)؛ «من قصیراء اضلاع» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲/۱۱۶)؛ «من خلف آدم الایسر» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۲/۱۱۶). روایاتی که به چگونگی خلقت زن یا حوا علیها السلام مربوط می‌شوند، چند دسته هستند. دسته اول، روایاتی ست که فقط کیفیت آفرینش حوا علیها السلام و خلقت او از دنده آدم علیه السلام را بیان می‌کند. برای مثال امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فَلَمَّا نَامَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلَقَ اللهُ مِنْ ضَلْعِ الْأَيْسَرِ وَهُوَ ضَلْعُ اعْوَجٍ فَخَلَقَ مِنْهُ حَوَا.

هنگامی که آدم خوابید، خداوند از دنده طرف چپ آدم که کج است، حوا را خلق کرد.

(نوری، ۱۳۷۴، ۱۴/۳۲۴)

دسته‌ای دیگر از روایات، افزون بر تأیید خلقت زن از دنده مرد، آن را ملاک قضاوت در تعیین ارث فرد خنثی قرار داده و می‌فرماید:

امیرالمؤمنان علیه السلام برای تعیین ارث افراد خنثی، دنده‌های آنها را می‌شمرد. اگر یک دنده کمتر از زنان داشت، به او ارث مردان را می‌داد؛ زیرا مرد، یک دنده کمتر از زن دارد و این نیز از آن جهت است که حوا علیها السلام از دنده چپ آدم علیه السلام خلق شد. بنابراین، مرد یک دنده کم‌تر دارد. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۴/۳۲۶)

دسته سوم، روایاتی ست که می‌گویند زن، موجودی اصلاح‌ناپذیر است؛ زیرا از استخوان آفریده شده و راست کردن استخوان، به منزله شکستن آن است: «استوصوا بالنساء، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خَلَقَتْ مِنْ ضَلْعٍ وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الضَّلْعِ أَعْلَاهُ، فَإِنَّ ذَهَبْتَ تَقِيمَهُ كَسْرْتَهُ وَإِنْ تَرَكْتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ». (بخاری، ۱۳۸۲، ۴/۵۸۷) پذیرش روایات، نتایجی به دنبال دارد که عبارت است از:

- اگر این نظریه که زن از دنده آدم خلق شده، پذیرفته شده باشد، معنای ضمنی آن این است که آفرینش جنس زن از استخوان، و آفرینش مرد از گل بوده است. بنابراین، روایاتی از معصوم علیه السلام نقل شده که به خصوصیت شکنندگی استخوان اشاره کرده و انعطاف‌ناپذیری طبیعت زن را

مرتبط با ماده اولیه خلقت او، یعنی استخوان می‌داند.

- براساس روایات دسته دوم و اینکه زن، از دنده آدم خلق شده، یکی از دنده‌های آدم کم شده و این نقصان تعداد دنده‌های آدم، به همه مردان رسیده و در نتیجه دنده‌های زن و مرد، با هم برابر نیستند. بنابراین، حضرت علی علیه السلام فرموده که برای تعیین ارث شخص خنثی، دنده‌های او را می‌شمرند، اگر یکی از دنده‌هایش کم بود، رأی به مرد بودن آن شخص می‌دادند.

- روایاتی که علاوه بر فرعی و تبعی دانستن جنس زن، به طور ضمنی بر تحقیر شخصیت زن اشاره دارد؛ زیرا استخوان بدن، حداقل دو ویژگی دارد. اول اینکه کج است و دیگر آنکه بسیار محکم و غیرقابل انعطاف است، به گونه‌ای که راست کردن آن، مساوی با شکستنش است. حال در این روایت، زن به چنین استخوانی تشبیه شده، یعنی موجودی کژمدار، دارای اخلاقی سوء که هرگز راستی را بر نمی‌تابد و چنان در کژی و ناراستی خود انعطاف ناپذیر است که اصلاح آن برابر با نابود کردن اوست.

۲-۱. درستی و نادرستی روایات با استفاده از معیارهای نقد حدیث

۲-۱-۱. ارزیابی روایات ضلع

در اتقان و مصونیت قرآن از تحریف، بین فریقین به صورت متواتر و قطعی اتفاق نظر وجود دارد، اما سنت، با وجود اهتمام معصومین علیهم السلام و صحابه به حفظ آن، چنین صیانتی ندارد. جعل حدیث، با انگیزه‌های گوناگون و از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و از شفافیت دومین منبع معارف اسلام کاست. عواملی مانند منع از کتابت رسمی حدیث، نقل به معنا، اعتماد بر صحابه و... از یک سو و روی آوردن برخی افراد به جعل حدیث با انگیزه‌های سیاسی، فرهنگی، مالی و حتی خیرخواهانه از سوی دیگر، باعث تشویش متون روایی شد. بنابراین، برای بهره‌گیری از این منبع معرفتی، شناسایی روایات صحیح و معتبر از روایات جعلی، امری ضروری است. علمای علم اصول برای ارزیابی روایات، دو روش را در پیش می‌گیرند. یکی بررسی سندی و دیگری بررسی متنی یا محتوایی روایات.

۲-۱-۱-۱. بررسی محتوایی یا متنی

۲-۱-۱-۱-۱. قرآن

ضروری است که در گام اول، احادیث ضلع، با معیار قرآن ارزیابی شوند؛ زیرا روایات معتبر فراوانی از معصومین علیهم السلام این معیار را معرفی کرده‌اند. «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ۶۹/۱). البته باید متذکر شد که موافقت با قرآن به این معنا نیست که

باید آیه‌ای مشابه روایت مورد نظر در قرآن وجود داشته باشد، بلکه آن طور که علامه معرفت بیان می‌کند:

مقصود از مخالفت، تباین با صمیم دین و روح شریعت است. به طوری که حدیث، با اهداف یا اغراض سعادت بخش امت در دنیا و آخرت منافات داشته باشد، پس هر چه مخالف این جهت‌گیری باشد مردود، و آنچه موافق آن باشد، مورد قبول است. (معرفت، ۱۳۸۳، ۲۲۲/۱)

برای دست‌یابی به دیدگاه قرآنی جایگاه زن، می‌توان مجموعه‌ای از آیات را بیان کرد که عبارتند از:

- آیاتی که قرآن حضرت آسیه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام را الگویی برای تمامی انسان‌های مؤمن و نه تنها زنان معرفی می‌کنند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...» (تحریم: ۱۱) اگر جنس زن، آن طور که روایات ضلع معرفی می‌کند، جنسی پست و غیر قابل اصلاح است، چرا قرآن برای همه جهانیان، الگویی از جنس زن معرفی می‌کند.

- قرآن کریم در آیات متعدد، آفرینشی برابر برای زن و مرد قائل شده و آنها را از یک گوهر واحد به حساب می‌آورد. «...خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (نساء: ۱). آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

منظور از نفس در «خلقکم من نفس واحد» گوهر و ذات و اصل و واقعیت شیء است و مراد، روح و روان و مانند آن نیست، پس مراد از نفس، ذات و واقعیت عینی است. بر اساس این مبنا، مفاد آیه مزبور این است که همه انسان‌ها، خواه زن یا مرد، از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد، یک چیز است. همچنین اولین زن که همسر اولین مرد است، از همان ذات و گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده نه از گوهر دیگر و نه فرع بر مرد و زائد بر او و طفیلی وی. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۴۲)

- قرآن کریم با تأکید بر هدف غایی خلقت که همانا عبودیت و بندگی پروردگار است، تصریح می‌کند که این هدف، تنها در سایه تقوی، ایمان و عمل صالح به دست می‌آید و معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها نزد خداوند، تقواست. بنابراین، مقام اجتماعی، اصل و نسب خانوادگی، درآمد و جنسیت، در ارزش دادن به انسان‌ها دخالتی ندارد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ...، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (حجرات: ۱۳).

همچنین قرآن هرگاه از کمالات انسانی سخن می‌گوید، از زنان، همسان مردان یاد می‌کند و از نظر قابلیت رسیدن به کمال و رشد، تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ ... (احزاب: ۳۵)

- از بدیهی‌ترین آموزه‌های دینی، یکسانی زن و مرد در دست‌یابی به سعادت اخروی است. در تمام آیات، هدایت و سعادت، بدون تفاوت میان زن و مرد، مخاطب انسان است. آیاتی از قرآن بر این حقیقت تردیدناپذیر تأکید دارد که: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر آیه می‌فرماید:

این آیه، وعده جمیلی است که به زنان و مردان مؤمن می‌دهد که عمل صالح کنند و در این وعده جمیل، فرقی میان زنان و مردان در قبول ایمانشان و در اثر اعمال صالحشان که همان احیاء به حیات طیبه، و اجر به احسن عمل است، نگذاشته و این تسویه میان مرد و زن، جدای از بنایی ست که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب، از یهود و نصاری داشتند و زنان را از تمامی مزایای دینی و یا بیشتر آن محروم می‌دانستند، و مرتبه زنان را از مرتبه مردان، پایین‌تر می‌پنداشتند و آنان را در وضعی قرار داده بودند که به هیچ وجه قابل ارتقاء نبود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴۱/۱۲)

با توجه این مطالب می‌توان دریافت که قرآن، همواره با دیدی مثبت و ارزشی به زن نگریسته و در قرآن مطلبی دال بر پستی و فروتر بودن جنس زن نیست. بنابراین، می‌توان تصریح کرد که روایات ضلع و مشابه آن، با قرآن و آموزه‌های آن مخالفت دارد و نمی‌توان به مضمون آنها اعتماد کرد.

۲-۱-۱-۲. سنت

دومین معیار برای تشخیص احادیث موضوع، سنجش آن با سنت متواتر و قطعی است. سخن و قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد تأیید خداوند قرار گرفته است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۲-۳). معیار بودن سنت در لسان روایات نیز آمده است: «فَإِذَا أَنْتَكُمُ الْحَدِيثُ فَأَعْرِضُوهُ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِي فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي فَخُذُوا بِهِ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي فَلَا تَأْخُذُوا بِهِ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲/۲۲۵). در منابع روایی در خصوص آفرینش حضرت آدم و حوا، سه دسته روایات وجود دارد:

- دسته اول، روایاتی هستند که خلقت حوا را از دنده چپ آدم می‌دانند و از آنها به روایات ضلع تعبیر می‌شود، اگرچه این روایات، خود نیز به چند دسته تقسیم می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۱۰،

۱۱/۱۱۵) اگر لفظ من در آیه اول سوره نساء، در معنای تبعیض به کار رفته باشد، می‌تواند تأییدی بر این روایات باشد.

- دسته دوم، روایاتی هستند که به صراحت، خلقت زن از دنده چپ مرد را که در آن روزگار بر زبان عامه جریان داشت، انکار کرده و اشکالاتی بر این نظریه مطرح کرده‌اند. برای مثال، زمانی که از امام صادق علیه السلام درباره خلقت حوا سؤال می‌شود و به ایشان عرضه می‌شود که برخی از مردم بر این باورند که حوا از دنده چپ آدم خلق شده، حضرت به شدت این مطلب را رد کرده و می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عَلُوًّا كَبِيرًا يَقُولُ مَنْ يَقُولُ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْقَدَرِ مَا يَخْلُقُ لِأَدَمَ زَوْجَتَهُ مِنْ غَيْرِ ضُلْعِهِ» (ابن بابویه، بی تا، ۱/۱۸). بنابراین، امام علیه السلام نه تنها خلقت حوا از دنده چپ آدم را نادرست دانسته، بلکه خلقت حوا از دنده آدم را مخالف قدرت خداوند می‌داند. این روایت، با روایات دسته اول در تناقض است.

- دسته سوم، روایاتی است که می‌توانند به عنوان شاهدی بر جمع میان دو دسته پیشین قرار گیرند. مضمون این روایات آن است که خداوند، حوا را از زیادی گل مربوط به دنده چپ آدم آفرید نه از بدن مرد. برای مثال، وقتی به امام باقر علیه السلام می‌گویند که مردم معتقدند حوا از دنده آدم خلق شده، ایشان به شدت آن را تکذیب کرده و فرمود: «أَكُنْ يَعْجِزُهُ أَنْ يَخْلُقَهَا مِنْ غَيْرِ» سپس ایشان افزود: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله إن الله تبارك وتعالى قبض قبضه من طين، فخلق منها حواء» (العیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۲۱۶) روایتی با مضمونی مشابه روایت فوق از پیامبر صلى الله عليه وآله نیز نقل شده که فرمود: «خلق الله آدم من طين و من فضلته و بقیته خلقت حوا» (ابن بابویه، بی تا، ۲/۵۱۲). بنابراین، دسته سوم از روایات، می‌توان چنین گفت که در صورت صدور روایات دسته اول از معصوم علیه السلام، آنها نیز به همین معنا نظر داشته‌اند نه به معنایی که در میان عامه رواج داشته است. بنابراین، میان روایات ضلع و برخی از روایات، تعارض وجود دارد. وجود تناقض و اختلاف در میان این روایات، قوت و اعتبار آنها را زایل می‌کند. در چنین مواردی و در صورت تعارض روایات، احادیثی که همگون با قرآن و هماهنگ با خرد سلیم انسانی باشد، پذیرفته و از آن بهره‌گرفته و احادیث دیگر مطروح و مردود تلقی می‌شوند.

۲-۱-۱-۳. عقل

دلیل حجیت عقل، آیات فراوانی است که آن را وسیله شناخت خدا، شناخت معاد، تشخیص سخن حق، نشانه فهم و درک و ... معرفی می‌کند. «و تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت: ۴۳). همچنین در آیاتی، صاحبان خرد و اندیشه، ستایش شده‌اند: «...»

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸). بر این اساس، می‌توان از عقل قطعی به عنوان معیار تشخیص احادیث سره از ناسره بهره برد. در روایات ضلع، به لحاظ عقلی، پرسش‌هایی مطرح است از جمله اینکه هدف از این آفرینش متفاوت چه بوده است؟ چرا خداوند در آغاز خلقت، دو انسان را یکی از گل و دیگری را از بدن اولی بیافریند؟ آیا گل آدمی کاستی گرفته بود؟ یا ارزش انسان دوم چنان نبود که همانند انسان اول از گل و طینت به خصوص و از پیش مهیا شده، آفریده شود؟ این نوع آفرینش، یا هدفمند بوده یا بی‌هدف و بدون حکمت خاص صورت گرفته است. اگر بی‌هدف بوده، کاری عبث و بیهوده است و انجام کار عبث، از خداوند حکیم محال است. اگر هم هدفمند بوده، سرو حکمت این نوع آفرینش مشخص نشده است. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که فعلی که دلیل مشخصی ندارد و خدا نیز آن را برای انسان روشن نکرده، چگونه صورت گرفته است؟ زیرا در موارد بسیاری جزئیات بیان شده و خداوند از ذکر رفتار و حالات درونی زنان در ماجراهایی مانند مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام، زنان مصر، مادر موسی علیه السلام و... فروگذار نبوده، چگونه برای بحث مهم خلقت زن، به آن اشاره‌ای نکرده است (فرجامی، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

معرفی شخصیت زن مانند استخوانی که امکان تغییر و تحول ندارد و ناراست است، به معنای جبر اخلاقی و جبلی بودن صفات است. امری که در منظومه فکری شیعه مردود و ناصحیح انگاشته می‌شود. عقل سلیم نیز به عدم صحت جبر اخلاقی حکم می‌کند.

۲-۱-۱-۲. مخالفت با دست‌آوردهای قطعی علم

اگر مضمون روایتی با قواعد قطعی علمی و امور اثبات شده تجربی مخالف باشد، به طور قطع از ناحیه معصوم علیه السلام صادر نشده است؛ زیرا سخنان این بزرگواران، مستند به وحی الهی است و از جانب خود سخنی نمی‌گویند. بنابراین، کلام ایشان هرگز با واقعیات خارجی و امور قطعی و تجربی ثابت شده، مخالفت نخواهد داشت. روایت ضلع و روایات مشابه آن، چون آفرینش حوا را از دنده آدم می‌داند، یک دنده مرد را، کمتر از تعداد دنده‌های زن می‌پندارد. این امر با علوم تجربی و واقعیت خارجی مطابقت ندارد؛ زیرا طبق تشریحی که از بدن انسان صورت گرفته، زن و مرد در تعداد دنده، مساوی هستند و هر کدام دوازده جفت دنده دارند. (رفیعی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷) کمتر بودن دنده‌های مردان از زنان، مخالف چیزی است که در علوم طبیعی و علم تشریح بیان می‌شود (فرجامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

۲-۱-۳. مطابقت روایات ضلع با متن تورات

در فرهنگ اصطلاحات حدیثی، منقولاتی که برگرفته از تعالیم تورات بوده و توسط برخی از افراد آگاهانه و یا ناآگاهانه وارد جوامع حدیثی مسلمانان شده، اسرائیلیات نامیده می‌شود. با احتمال اسرائیلی بودن روایتی، می‌توان به جعلی بودن آن روایت حکم کرد. از دو جهت می‌توان بر اسرائیلی بودن روایات ضلع استدلال کرد. اول، اقرار برخی راویان به اینکه روایات ضلع را از اهل کتاب نقل کرده‌اند، چنان‌که ابن اسحاق می‌گوید: «القی علی آدم السنه فیما بلغنا عن اهل الکتاب من اهل التورات و غیرهم من اهل العلم؛ آن‌گونه که از پیروان تورات و سایر اهل علم، یعنی مسیحیان به ما رسیده است (طبری، ۱۴۱۲، ۴/۲۹۸).

آن‌گاه وی، قصه آدم و خلقت حواریا نقل کرده است. سخن ابن خلدون نیز تأییدی برای این مطلب است. وی می‌گوید: «چون عرب‌ها اهل کتاب و دانش نبودند، هرگاه به معرفت چیزی از اسرار خلقت و آغاز پیدایش آفرینش اشتیاق پیدا می‌کردند، راهی غیر از مراجعه به اهل کتاب نداشتند» (ابن خلدون، بی‌تا، ص ۴۳۸).

دوم، انطباق کامل روایات ضلع با داستان خلقتی است که در تورات آمده است، چنان‌که با مقایسه داستان خلقت آدم و حوا در تورات و روایات ضلع، می‌توان دریافت که این دو داستان، نه تنها در کلیات، بلکه در بسیاری از جزئیات مشابهت دارند، پس احتمال اینکه چنین روایاتی از آنجا نشئت گرفته باشد، قوت می‌گیرد. در تورات، در سفر پیدایش چنین آمده است:

و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی کرد تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد و خداوند از آن دنده که از آدم گرفته بود، زنی را بنا کرد و وی را به نزدش آورد. و آدم گفت همانا این استخوانی ست از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب، نساء نامیده شد؛ زیرا از انسان گرفته شد. (تورات، سفر پیدایش / ب ۲/ ۱۵-۲۵) در میان روایات ضلع، روایتی با مضمونی بسیار نزدیک به این نقل تورات موجود است.

دلیل این مشابهت، نقل میان تورات و برخی از روایات است که ابن‌کثیر روایات مذکور را از اسرائیلیات بر شمرده و می‌گوید:

گذشتگان، یعنی صحابه و تابعین در موضوع جناب آدم عَلَيْهِ السَّلَام مطالب بسیاری نقل کرده‌اند که غالب آنها از اسرائیلیات است. خداوند به حال آنچه نقل شده، داننا تراست و برخی از آنها خلاف واقع است؛ زیرا با حقایقی که در اختیار ماست، منافات دارد. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ۳/۸۴)

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه نیز این روایات را به دلیل مشابهت با نظر تورات ضعیف دانسته و می‌فرماید:

نقطه ضعفی که در این روایت است، این است که این روایت، خلقت حوا را مطابق تورات از دنده آدم دانسته، و این معنا را در روایات وارده از ائمه اهل بیت علیهم السلام، تکذیب می‌کند.
(موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ۲۲۲/۱)

۲-۱-۱-۴. صدور روایت ضلع به جهت تقیه

احتمال تقیه در روایات مربوط به آفرینش حوا از دنده آدم منتفی نیست؛ زیرا چنان که از روایات دسته دوم دریافت می‌شود، این مطلب، رأی غالب آن زمان و موافق قول عامه بوده است. به همین دلیل برخی از مفسران با توجه به وجود روایات دسته دوم که به شدت با خلقت زن از دنده چپ، مقابله می‌کند و کثرت روایات ضلع در منابع اهل سنت، این روایات را حمل بر تقیه کرده‌اند. علامه مجلسی، این روایات را حمل بر تقیه و یا تأویل کرده است به اینکه مراد، زیادی گل مربوط به دنده چپ آدم است. (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۱/۱۱۶) بنابر احتمال تقیه‌ای بودن روایات ضلع، مقصود روایات دسته اول، بیان واقع نبوده و مفاد آن اعتباری ندارد.

۳. بررسی نظرات مفسرین

از بین دانشمندان شیعی، شیخ ابوالفتح رازی، روایت‌های دسته اول را قبول کرده و آن را مفسر آیه یک سوره نساء قرار داده است، ولی بیشتر آنها، اعم از محدثان و مفسران، روایات دسته دوم را پذیرفته و نسبت به روایات دسته اول، یا دست به توجیه و تأویل زده (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۳/۲۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱/۴۱۵) و یا صدور آن را ناشی از تقیه دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۶۹، ۲۳/۷). در مقابل، تعدادی از مفسران، این روایات را نپذیرفته و حتی آنها را تضعیف کرده و اصل داستان را خرافی دانسته‌اند. در میان مفسران شیعی، علامه حلی، طبرسی و مغنیه از جمله این افراد هستند (حلی، ۱۴۱۲، ۹/۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۸/۳۷۸؛ مغنیه، بی تا، ص ۹۷). بسیاری از دانشمندان اهل سنت به ویژه مفسران آنها، روایات دسته اول، یعنی آفرینش حوا از دنده آدم را پذیرفته و در تفاسیر خود، در شرح آیه یک سوره نساء ذکر کرده‌اند. بیشتر منقولات در میان اهل سنت در این باره، مطالب به جا مانده از صحابه و تابعین است (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱/۱۲۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ۱/۱۵۰). تنها یک روایت به پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می‌شود که ابن حجر آن را به همین مطلب ناظر می‌داند. بعضی از دانشمندان اهل سنت نیز در صدد توجیه و تأویل این روایات برآمده‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۲، ۱/۲۸۰).

برخی از مفسرین، در مقام جمع میان روایات برآمده و چنین توجیه کرده‌اند:

منظور از روایاتی که خلقت حوا را از ضلع آدم می‌داند، اشاره به این مطلب است که در

زن ها، بعد جسمانی و حیوانی، و در مردها، بعد روحانی قوی تر است. به این دلیل که یمن یا سمت راست، کنایه از عالم ملکوت و روحانی ست و شمال یا سمت چپ، کنایه از عالم ملکی و جسمانی ست و دنده چپ نیز کنایه از بعضی از شهواتی ست که ناشی از غلبه بعد جسمانی ست و جهت ملکوت و جهان امر، در مردان قوی تر از زنان است و جهت ملک و جهان خلق، در زنان اقوی از مردان است. (ر.ک.، فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱/۴۱۴)

برخی نیز گفته اند:

این روایات جنبه تمثیلی داشته و ناظر به کژی های اخلاقی زن در زندگی ست و هدف از این روایات، سفارش به مدارا کردن با جنس زن و توجه است. گویا فرموده زن مثل دنده کج می ماند که اگر بخواهید راستش کنید، می شکند، پس ناچارید وی را به حال خود واگذارید و با او مدارا کنید تا زندگی از قوت و استحکام و استمرار برخوردار شود. (ر.ک.، آملی، ۱۴۲۲، ۲/۹۸)

صاحب تفسیر البحر المحیط احتمال می دهد که این روایت، از جهت تمثیل اضطراب اخلاق زنان باشد که بر حالت ثابتی پایدار نمی مانند.

یحتمل آن یکنون ذلک علی وجه التمثیل لاضطراب أخلاقهن، و کونهن لایثبتن علی حاله واحده، آی: صعبات المراس، فهي كالضلع العوجاء كما جاء خلق الإنسان من عجل. و یؤید هذا التأویل قوله: إن المرأه، فأتی بالجنس و لم یقل: إن حوا. (اندلسی، ۱۴۲۰، ۳/۴۹۴)

وی دلیل این حرف را، آمدن کلمه المرأه، یعنی جنس زن، به جای کلمه حوا می داند. این نظر، از جهاتی قابل تأمل است؛ زیرا روایات مذکور، صراحت دارند که خلقت زن به این صورت بوده و قابل تأویل نیست. دسته ای از این روایات، وضع احکامی مثل ارث زن، شهادت زن، طلاق و ... را بر اساس خلقت زن از دنده مرد توجیه کرده اند. بنابراین، جایی برای چنین تأویلاتی باقی نمی ماند، اگرچه شاید بتوان از این روایات، مدارا، حسن رفتار و ملایمت با زن را برداشت کرد، اما نمی توان بدون دلیل معتبری، این روایات را این گونه معنا کرد.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مورد احتمال خلقت زن از دنده چپ مرد، می فرماید: «این احتمال اگرچه از نظر عقلی محال و غیر ممکن نیست، اما از نظر دلالت مطلب، آیات قرآن کریم بر آن دلالتی ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴/۲۳۲)». بنابراین، این روایات را نپذیرفته اند.

۴. نتیجه گیری

از آنچه در این نوشتار گذشت می توان نتیجه گرفت که متن روایات ضلع و لوازمات آن، به وضوح با برداشت قرآن در مورد خلقت انسان در تضاد است. همه علمای مسلمان، درباره این اصل، وفاق دارند که هر حدیثی که با قرآن در تضاد باشد، نمی تواند به عنوان حدیث معتبر پذیرفته شود؛ زیرا

بر اساس قرآن و تعالیم اسلام، هر یک از دو جنس زن و مرد، با کارکردهای مشترک و متمایز، تنها برای یک هدف خلق شده‌اند و آن، کمال و قرب الی الله است. اندیشمندان اسلامی، ماده اولیه خلقت حضرت حوا ع را همان گلی می‌دانند که حضرت آدم ع از آن خلق شده است. علاوه بر این، با توجه به معیارهایی مانند مخالفت با سنت، مخالفت با عقل و دستاوردهای علمی قطعی، مطابقت با تورات و موافقت با نظر عامه، می‌توان به موضوعیت و جعلی بودن این روایات حکم داد. از سویی میان روایاتی که به نوعی اشعار به خلقت حوا از دنده آدم دارد نیز تناقض درونی وجود دارد و این روایات از اضطراب متن برخوردارند. نکته دیگر آنکه، حتی اگر کسی معتقد شود که زن، از دنده چپ مرد آفریده شده، نمی‌توان از این گزاره، فرع بودن و ثانوی بودن زن نسبت به مرد را نتیجه گرفت و با استناد به چنین روایاتی، احکامی خاص برای زنان صادر کرد. زن و مرد در نظام تفکر اسلامی، با برخورداری از انسانیت بالسویه، ارزش یکسانی داشته و آفرینش هر کدام، هدفی مستقل داشته و هدف از آفرینش زن، هدف تبعی و ثانوی نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (بی‌تا). تاریخ العبر. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 ۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۳. آملی، سیدحیدر (۱۴۲۲). المحيط الأعظم والبحر الخضم. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
 ۴. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: انتشارات دار الفکر.
 ۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۲). صحیح بخاری. زاهدان: انتشارات حرمین.
 ۶. جمشیدی، اسدالله و دیگران (۱۳۸۵). جستاری در هستی‌شناسی زن. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی ع.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). زن در آئینه جمال و جلال. قم: نشر اسراء.
 ۸. رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۹۰). درسنامه وضع حدیث. قم: انتشارات المصطفی.
 ۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: ناشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
 ۱۰. صدوق، علی بن بابویه (بی‌تا). علل الشرائع. قم: نشر داوری.
 ۱۱. صدوق، علی بن بابویه (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۱۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۱۳. فرجانی، اعظم (۱۳۸۵). آفرینش حوا در قرآن و روایات، مجله پژوهش زنان، ۴/۴. صص ۲۲-۵.
 ۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
 ۱۵. کتاب مقدس. انجمن پخش کتاب مقدس.
 ۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی. تهران: انتشارات اسلامیه.
 ۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
 ۱۸. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۳). التفسیر الجامع الاثری. قم: مؤسسه التمهید.
 ۱۹. مغنیه، محمد جواد (بی‌تا). التفسیر المبین. قم: بنیاد بعثت.